تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۵/۲۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۲/۱۳

واکاوی چالش‌ها و راهکارهای توسعه هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی ایران؛ دستاوردهایی برای سیاست‌گذاری

حجت ورمزیاری (نویسنده مسئول)
استادیار گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران
E-mail: varmazyari@ut.ac.ir
بهروز رازانی
دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
مصطفی مرادی
دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

گلجام
دوفصلنامه علمی - پژوهشی انجمن علمی فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

چکیده

هدف کلی این پژوهش، تحلیل چالش‌ها و راه‌کارهای اساسی هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی ایران از دیدگاه کارشناسان و مطلعان کلیدی به‌منظور تدوین راه‌کارهای مناسب برای بهبود سیاست‌گذاری در این حوزه بود. پژوهش کیفی حاضر با استفاده از نظریه زمینه‌ای انجام شد. افراد مورد مطالعه، با استفاده از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از بین صاحب‌نظران، کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و فعالان حوزه هنر- صنعت فرش دست‌باف انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته بهره گرفته‌شد. یافته‌ها نشان داد، «ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری»، «کارکرد نامناسب نظام ارائه خدمات بیمه و مالی»، «موانع و محدودیت‌های تولید»، «موانع و محدودیت‌های فروش» و «افول بافندگی» به‌عنوان چالش‌های اساسی توسعه هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی مطرح هستند. در این بین، ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری به‌عنوان مانع کلیدی توسعه هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی شناسایی شد. این مشکل ریشه‌ای، براساس مفاهیمی از جمله عدم ثبات مدیریتی و جایگاه ضعیف سازمانی، جایگاه غیرشفاف هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم برساخته شد. تغییرات اساسی در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی ضروری به نظر می‌رسد. نهاد متولی این صنعت باید بتواند براساس هویت روستاها و ترکیب فعالیت‌های اقتصادی این مناطق، هنر- صنعت فرش دست‌باف را به نحوی سازماندهی و

مدیریت نماید که در فقرزدایی و بهبود معیشت پایدار روستائیان و عشایر نقش اساسی‌تری داشته باشد. همچنین به‌منظور ساماندهی زنجیره تولید و فروش فرش دست‌باف روستایی، ایجاد و توسعه «الگوی قراردادی» با تأکید بر رعایت حقوق بافندگان روستایی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه زمینه‌ای، چالش‌ها، فرش دست‌باف روستایی، مدیریت فرش

۱-مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات بسیاری از کشورهای دنیا به‌خصوص کشورهای در حال توسعه مسأله کمبود فرصت‌های شغلی و افزایش نرخ بیکاری است. شاید بتوان اظهار داشت که یکی از دلایل کاهش جمعیت روستایی در طول دوره ۱۳۹۰-۱۳۳۵ کاهش فرصت‌های شغلی بوده است. در سال ۱۳۳۵ نواحی روستایی، ۶۸/۵۹ درصد کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده بودند که این نسبت در سال ۱۳۹۰، به ۲۸/۵۴ درصد کاهش یافت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با وجود این‌که هنر- صنعت فرش دست‌باف در صورت مدیریت صحیح می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهای اشتغال‌زایی، خروج از فقر و توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد، ولی شواهد حاکی از آن است که اشتغال این صنعت در نواحی روستایی و عشایری نسبت به گذشته دچار افول شده است. بازاریابی فرش دست‌باف روستایی در ایران به‌صورت علمی مدیریت نمی‌شود و هنوز جنبه سنتی دارد (صحت و فرجلو مطلق، ۱۳۸۹: ۲).

به‌طورکلی در شرایط کنونی، چندین دستگاه اجرایی در زمینه مدیریت فرش دست‌باف فعالیت دارند که در این میان می‌توان به وزارت صنعت، معدن و تجارت (مرکز ملی فرش ایران و سازمان توسعه تجارت ایران)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (موزه فرش ایران)، سازمان میراث فرهنگی و صنایع‌دستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) اشاره کرد. گوناگونی در مراکز تصمیم‌گیری از مهم‌ترین عوامل مشکل‌ساز برای صنعت فرش ایران به‌شمار می‌آید. بررسی ابعاد مختلف این صنعت در کشور نشان می‌دهد، فرش ایران دوران افول و رکود شکننده‌ای را در عرصه رقابت‌های جهانی طی کرده و در شرایط نامناسبی قرار گرفته است. سهم فرش دست‌باف ایران از بازار جهانی این محصول در دوره ۲۰۰۶-۱۹۷۶ در حالی رو به کاهش بوده است که هم‌زمان سهم کشورهایی مانند ترکیه، چین، هند رشد مناسبی را تجربه کرده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸). آمار جدیدتر بانک مرکزی در این خصوص حاکی از آن است که طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۷۸ ارزش صادرات فرش ایران از ۶۸۹/۶ میلیون دلار به ۳۲۴ میلیون دلار کاهش پیدا کرده است. همچنین سهم صادرات فرش دست‌باف از صادرات غیرنفتی ایران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳ روند نزولی داشته است، به‌طوری‌که این سهم از ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است[1]. رکود بازار صادراتی، یکی از دلایل افول تدریجی صنعت فرش‌بافی در نواحی روستایی و کاهش درآمد و اشتغال ناشی از این صنعت در روستاها می‌تواند باشد.

با وجود تضعیف نقش هنر- صنعت فرش دست‌باف در توسعه روستایی کشور، مطالعه مناسبی به منظور شناسایی چالش‌ها و راه‌کارهای کلیدی توسعه فرش دست‌باف در روستاها، از دید صاحب‌نظران و کارشناسان انجام نشده است تا بر اساس نتایج، بتوان پیشنهادهای مناسبی برای برای سیاست‌گذاری کلان ارائه نمود. در این راستا، تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخ‌های مناسب برای این سؤال اساسی است که چالش‌های کلان هنر- صنعت فرش دست‌باف

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

روســـتایی در کشور چیست، به‌گونه‌ای که با رفع آنها، این صنعت رونق یابـــد و بتواند ضمن افزایش ارزش افزوده، درآمد بافندگان روســـتایی را ارتقاء دهد و در فقرزدایی در نواحی مذکور نقش‌آفرینی نماید. بنابراین هدف کلی این پژوهش، تحلیل چالش‌ها و راهکارهای اساسی فرش دست‌باف روستایی از دیدگاه کارشناسان و مطلعان کلیدی است.

۲- پیشینه تحقیق

تحلیل تعداد ١٦٤ سند هنر- صنعت فرش دست‌باف در دوره زمانـــی ۱۲۹۲ تـــا ۱۳۵۷ (علی‌اکبری‌بایگی، ۱۳۸۱: ۱-۹۳۵) نشـــان می‌دهد، فقدان استانداردها و شـــرایط کار و احجاف در حقوق کارگر، کمبود نهاده تولید، واردات نهاده‌ها، به‌کارگیری کارگران خارجی، چالش‌هـــای صادرات و بازار فـــرش ایران در خارج از کشـــور از چالش‌های عمده هنـــر- صنعت فرش دست‌باف بوده‌اند و در این راســـتا راه‌کارهایی مانند سازماندهی صادرات، تولید و عرضه اطلاعات و آمار مناسب برای برنامه‌ریزی، نهادسازی برای مدیریت و منع ورود نهاده‌های شـــیمیایی با کیفیت پایین مدنظر قرار گرفته‌اند. تاکنون مطالعات موردی گوناگونی در حوزه فرش دست‌باف روستایی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

شفیعیان (۱۳۷۵: ۱) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر در جابجایی نیروی انسانی در هنر- صنعت فرش کرمان پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد دستمزد پایین، رکود بازار فرش دست‌باف، افزایش قیمت مواد اولیه، منزلت اجتماعی پایین قالیبافان، شرایط فیزیکی کارگاه و فشار خانواده از مهم‌ترین عوامل ترک حرفه قالی‌بافی از ســـوی قالی‌بافان اســـت. رستمی (۱۳۸۳: ۵۹) در پژوهشـــی با عنوان بررســـی وضعیت اشتغال زنان اســـتان مازندران در بخش صنایع‌دســـتی (منطقه ســـاری) به این نتیجه رســـید که عدم صرفه اقتصادی و نبود بازار فروش مناسب برای محصولات تولیدی، عمده‌ترین مشـــکل زنان شاغل در بخش صنایع‌دستی اســـت. رضایـــی (۱۳۸۵: ۳۳) در پژوهشـــی با عنوان رضایت‌مندی بافندگان فرش دست‌باف در استان‌های آذربایجان شـــرقی و اصفهـــان به این نتیجه رســـید که ضعـــف در تهیه مواد اولیه، نقشـــه و دار قالی‌بافی نامناســـب، کمبود ســـرمایه برای کار و عدم دسترسی کافی به وام و تسهیلات قالی‌بافی از مهم‌ترین مشکلات قالی‌بافان این دو استان بوده است. میرالماسی (١٣٨٦: ۱۰) در مقاله‌ای با بررســـی مؤلفه‌هـــای اصلی بهبود وضعیت شـــغلی زنان قالی‌باف روســـتایی شهرستان اراک، ســـختی‌کار، کمی‌درآمد، نداشتن بیمه، مناسب نبودن محیـــط فیزیکی محل‌کار، بیماری‌های ناشـــی از قالی‌بافـــی و همچنین گرانی مـــواد اولیه را به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات زنان قالی‌باف روستایی مورد اشاره قرار داده اســـت و عوامل قانونی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشـــی را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بهبود وضعیت شغلی زنان قالی‌باف روستایی عنوان کرده است. مهدوی حاجیلویی (۱۳۸۰: ۱) طی پژوهشـــی با عنوان بررسی و شـــناخت صنایع‌دستی (قالی‌بافی) در روستاهای حاشـــیه غربی دشت کویر به‌منظور توســـعه و احیاء آن، به این نتیجه رســـید که افزایش قیمت مواد اولیه و نامناسب بودن کیفیت تولید مشـــکلاتی را به‌وجود آورده است. لطیفی و همکاران (۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۷) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل اثرات اقتصـــادی- اجتماعی تعاونی‌های فرش دســـت‌باف روستایی استان همدان نتیجه گرفتند که بین قالی‌بافان عضو و غیرعضو تعاونی به لحاظ میزان درآمد، تولید، میزان آگاهی و دانش، دسترسی به تسهیلات، وام، مواد اولیـــه و غیره تفاوت معناداری در ســـطح یک درصد وجـــود دارد، به‌طوری که قالی‌بافـــان عضو اتحادیه از وضعیت بهتری برخوردارند. همان‌طور که مرور منابع نشـــان می‌دهد، تحقیقات تجربی انجام شده در کشور

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

در حوزه فرش دست‌باف روستایی، همگی به صورت موردی بوده و هیچ پژوهشـــی با هدف احصاء رئوس سیاست‌گذاری کلان توسعه فرش دست‌باف روستایی بر اســـاس نظرات خبرگان و فعالان این حوزه انجام نشـــده اســـت. از آن‌جایی‌که پژوهش حاضر به رفع این خلأ، از طریق تحلیل اکتشـــافی چالش‌ها در ابعاد مختلف و شـــناخت راه‌کارهای مناســـب برای بهبود سیاســـت‌گذاری در حوزه فرش دست‌باف روستایی پرداخته اســـت، لذا کاربردی بوده و از اهمیت زیادی برخوردار اســـت. البته شـــایان ذکر است که به‌منظور جلوگیـــری از تکرار، راه‌کارهای برخاســـته از نظرات کارشناسان امر، در بخش انتهایی مقاله ذکر شده‌اند.

۳- روش‌شناسی تحقیق

پژوهـــش حاضـــر از منظـــر پارادایم تحقیـــق، جزو تحقیقات کیفی اســـت و با رویکرد آسیب‌شناســـانه[۲] و با غایـــت واکاوی چالش‌ها و راه‌کارهای توســـعه فرش دست‌باف روستایی ایران انجام شده است. فاز میدانی تحقیق، با رهیافت نظریه زمینه‌ای انجام شـــد. افراد مورد مطالعه، با اســـتفاده از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از بین صاحب‌نظران، کارشناســـان دستگاه‌های اجرایی (از جمله کارشناســـان ســـابق وزارت جهاد ســـازندگی، مرکز ملی فرش ایران و شـــرکت سهامی فرش) و فعالان فرش دست‌باف انتخاب شدند. حجم نمونه بر اســـاس معیار اشـــباع نظـــری ۲۷ نفر تعیین گردید. بر اســـاس اشـــباع نظری محقق حجم نمونه را تا جایی گســـترش می‌دهد که داده‌های جدیدی از طریق جمع‌آوری داده‌ها حاصل نشود. ابزار تحقیق در جمع‌آوری داده‌ها، پروتکل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، دســـتگاه ضبط‌صوت و نیز دفتر یادداشت‌برداری‌های محققـــان بود. در راســـتای درک عمیـــق واقعیت‌ها[۳] مصاحبه‌ها به صورت انفـــرادی و ژرف‌نگرانه (مدت زمـــان هر مصاحبه به طور متوســـط ۷۰ دقیقه) انجام شد. پرسش‌های اساسی مصاحبه شامل موارد زیر بود:

۱- وضعیت موجود فرش دست‌باف روستایی در ابعاد مختلف اعم از تأمیـــن نهاده‌ها، بافت، بازاریابی، مدیریت و حمایت‌های دولتی چگونه است؟

۲- آیا اسناد فرادستی، ازجمله قانون برنامه پنجم توسعه و بودجه‌های سنواتی، فرش دست‌باف روستایی را به‌صورت سیستمی مدنظر قرار داده‌اند؟

۳- چنانچه قرار باشـــد، فرش دست‌باف روستایی در عین افزایش ســـهم ایران در بازارهای جهانی فرش دست‌باف، سبب اشتغال‌زایی شایسته و درآمدزا برای روستائیان شود، چه راه‌کارهایی از منظر سیاست‌گذاری کلان باید مدنظر قرار گیرند؟

به منظور تائید پایایی داده‌ها، از روش پیشـــنهادی (Bo Hansen, 2006: 10) یعنـــی یادداشـــت نـــکات کلیـــدی، برقراری تعامل با افراد تحت شـــرایط عادی (شـــروع مصاحبه با پرسش‌های ســـاده و کلی و پیش رفتن به ســـمت جزئیات و سؤالات اساسی تحقیق به منظور خارج کردن شـــرایط از حالت رسمی به حالت عادی و دوســـتانه و غیر رســـمی)، پرهیز از سوگیری در مصاحبه و تفسیر یادداشت‌ها و نیز سه‌وجهی‌سازی بهره گرفته شـــد. به منظور سه‌وجهی‌سازی، از راهبرد «تکثرگرایـــی داده» اســـتفاده گردید. ایـــن راهبرد بر جمع‌آوری اطلاعات از منابـــع مختلف تأکید دارد. از ســـوی دیگر به منظور تأمیـــن روایی تحقیق علاوه بر تکثرگرایی داده، از راهبرد «بازخورد مشارکت‌کننده»[۴] اســـتفاده شـــد. به عبارت دیگـــر، تفســـیر محقق از اظهارات مصاحبه‌شـــوندگان، به آن‌ها ارائه و با توجه به بازخوردهـــای دریافتی، اصلاحـــات ضروری در برداشت‌ها انجام می‌شد. همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، محققان سعی نمودند با استفاده از کدگذاری به تحلیل بپردازند. در این راســـتا، در هـــر گام جمع‌آوری داده (پس از مصاحبه با هر فرد)، تیم پژوهش به پیاده‌سازی و بررسی نوارهای ضبط شده و یادداشت‌های میدانی

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

پرداختند. سپس مطالب به شیوه خط به خط مورد بررسی قرار گرفتند و جملات مرتبط با سؤالات اصلی پژوهش مشخص شدند. محققان سعی نمودند با استفاده از تکنیک مرور مجدد و مقایسه دائمی داده‌ها [۵]، درک خود از آن‌ها و پیوندهای مربوطه را نشان دهند. در این اقدام، اجزاء مشابه در هم ادغام و موارد تکراری حذف شدند. به‌طورکلی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر آن‌ها از طریق کدگذاری در سه مرحله استخراج کدهای باز، دسته‌بندی کدهای باز از نظر قرابت نظری و مفهومی در قالب طبقات محوری و سپس تشکیل ماتریس طبقات کلان انتخابی با استفاده از استنباط روابط درونی طبقات محوری انجام شد.

٤- یافته‌های تحقیق

٤. ١. کدگذاری باز

پس از پیاده‌سازی مطالب جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه، در کدگذاری باز با مرور خط به خط داده‌ها، جملات مرتبط با موضوع پژوهش استخراج گردید. در این مرحله ۵۵ مفهوم، ۱۸ خرده‌مقوله و ۵ مقوله در رابطه با چالش‌ها و موانع توسعه فرش دست‌باف شناسایی و در جدول (۱) ارائه شد.

جدول ۱. کدگذاری داده‌های کیفی (یافته‌های پژوهش)

مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	مفاهیم
ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری	جایگاه غیرشفاف فرش دست‌باف روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم	آوردن اغلب اعتبارات فرش دست‌باف روستایی به صورت پراکنده و غیرقابل تفکیک در قالب فصل صنایع، بازرگانی و تعاون و فصل توسعه علوم و فناوری
		فقدان برنامه و طرح مستقل در بودجه کشور، برای فرش دست‌باف روستایی به صورت هدفمند و نظارت‌پذیر
		عدم ارائه گزارش عملکرد در خصوص بند "ن" ماده (۱۹٤) قانون برنامه پنجم توسعه
	عدم ثبات مدیریتی و جایگاه ضعیف سازمانی	تغییرات سریع مدیریتی در نهادهای متولی هنر- صنعت فرش
		کمبود نیروی انسانی در مراکز استان‌ها
		تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود نهادهای موازی متولی فرش
		ضعف جایگاه نهادی فرش دست‌باف
	عملکرد نامناسب سازمان‌های دولتی متولی فرش در اجرای وظایف و مسئولیت‌ها	پایین بودن توان کارشناسی نهادهای متولی فرش
		ضعف مدیریتی نهادهای متولی فرش
		اثربخشی پایین حمایت‌های دولت و عدم فراگیری آن
	اثربخشی پایین سازمان‌های غیردولتی	ناتوانی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دست‌باف در ایفای مناسب نقش‌های حمایتی

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

ادامه جدول ۱. کدگذاری داده‌های کیفی (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	مفاهیم
کارکرد نامناسب نظام ارائه خدمات بیمه و مالی	محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری مناسب و انحراف بخشی از تسهیلات	سخت‌گیری بانک‌ها و ناکافی بودن حمایت‌های مالی دولت
		استفاده نامناسب از بودجه و اعتبارات مرکز ملی فرش
		کوتاه بودن دوره بازپرداخت وام و دیر بازده بودن نسبی بافت فرش
		انحراف تسهیلات بانکی
	ضعف در سازماندهی بیمه اجتماعی قالی‌بافان	نبود اطلاعات دقیق و قابل استناد در خصوص تعداد شاغلین در کارگاه‌های قالی‌بافی
		قطع بیمه قالی‌بافان به دلیل عدم توانایی در پرداخت حق بیمه
		سوءاستفاده از بیمه اجتماعی قالی‌بافی
موانع و محدودیت‌های تولید	دسترسی نامناسب بافندگان به مواد اولیه	عدم استفاده از ظرفیت‌های تولید پشم در داخل کشور
		عدم وجود مراکز فراگیر تأمین و توزیع مواد اولیه
		استفاده از مواد اولیه بی‌کیفیت
	محدود بودن برنامه‌های آموزشی در جهت ارتقای کیفیت و هماهنگی تولید با نیاز بازار	سطح پایین مهارت بافندگان
		افزایش سن بافندگان و عدم‌توجه به آموزش نسل جوان
	ساماندهی نامناسب کارگاه‌های تولیدی	عدم کارایی مجتمع‌های متمرکز قالی‌بافی
	شرایط نامناسب شغل بافندگی	بهداشت نامناسب محیط کار
		منزلت اجتماعی پایین بافندگی
		سطح پایین رضایت شغلی بافندگان
	فقدان صرفه اقتصادی بافت	تورم بالای داخلی و بالا بودن قیمت تمام شده فرش
		کاهش تقاضا برای فرش در بازار داخلی
		پایین بودن دست‌مزد بافنده
		زمان‌بر بودن بافت فرش
		هدفمندسازی یارانه‌ها

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

ادامه جدول ۱. کدگذاری داده‌های کیفی (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	مفاهیم
موانع و محدودیت‌های تولید	عدم توجه مناسب به ارزش‌های کیفی و هویتی فرش دست‌باف	از بین رفتن اصالت فرش‌های بومی
		عدم توجه به کیفیت بافت
		عدم توجه به نقش فرهنگی فرش دست‌باف
موانع و محدودیت‌های فروش	ساختار نامناسب بازار	حضور دلالان و واسطه‌های فراوان در بازار فرش
		عدم وجود سازوکار مناسب برای جلوگیری از حضور صادرکنندگان غیر واقعی در صادرات فرش
		وجود فضای رقابتی ناسالم بین صادرکنندگان
	فقدان نظام مناسب بازاریابی در سطح ملی و بین‌المللی	عدم شناسایی سلایق و نیازهای بازار
		اثربخشی پایین تبلیغات
		عدم مشارکت بخش خصوصی در تبلیغات و بازاریابی
		ناکافی بودن تبلیغات در سطح داخلی و بین‌المللی
		کارایی نامناسب بازاریابی اینترنتی در توسعه صادرات فرش
	کاهش تقاضا در بازارهای جهانی	کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده در بازارهای جهانی
		ظهور کالاهای جانشین (فرش ماشینی، مبل و غیره)
		صادرات فرش‌های باکیفیت پایین
		از دست رفتن بخشی از بازار به دلیل تحریم‌های خارجی
	افزایش رقابت در سطح بین‌المللی	سوءاستفاده از طرح‌ها و نقش‌های فرش ایرانی توسط کشورهای دیگر
		ورود رقبای جدید به بازار هنر صنعت فرش (چین، هند، پاکستان و غیره)
	حمایت ناکافی دولت از صادرکنندگان	فقدان سیاست‌های تشویقی کافی دولتی برای صادرات فرش، مانند جوایز صادراتی
		بالا بودن تعرفه‌های گمرکی صادرات
		عدم حمایت مالی دولت از صادرکنندگان واقعی در نمایشگاه‌های بین‌المللی

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

ادامه جدول ۱. کدگذاری داده‌های کیفی (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	مفاهیم
افول بافندگی	وضعیت موجود نسبت به گذشته	کاهش تعداد بافندگان فرش در مناطق روستایی
		کاهش تولید نسبت به گذشته
		کاهش تمایل بافنده‌ها به بافت فرش روستایی و گرایش به بافت فرش شهری
		چشم‌انداز نامناسب فرش

٤. ٢. کدگذاری محوری

در این مرحله، با مقایسه مداوم داده‌های کدگذاری شده با یکدیگر، زیر مقوله‌ها در قالب خوشه‌هایی متناسب با مقوله‌ها سازماندهی شدند که در نهایت، ۵ مقوله «افول بافندگی»، «ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری»، «کارکرد نامناسب نظام ارائه خدمات بیمه و مالی»، «موانع و محدودیت‌های تولید» و «موانع و محدودیت‌های فروش» به عنوان چالش‌های عمده هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی ایران شناسایی شدند. در ادامه به تشریح هریک از این مقوله‌ها پرداخته می‌شود تا در نهایت طبقه محوری مشخص شود.

٤. ٢. ١. افول بافندگی

٤. ٢. ١. ١. وضعیت موجود نسبت به گذشته

یافته‌ها نشان می‌دهد که افول بافندگی یکی از چالش‌های فرش دست‌باف روستایی کشور است. در این خصوص بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به مواردی مانند، کاهش تعداد بافندگان فرش در مناطق روستایی، کاهش تولید نسبت به گذشته، کاهش تمایل بافنده‌ها به بافت فرش روستایی و گرایش به بافت فرش شهری و چشم‌انداز نامناسب فرش اشاره کرده‌اند. این موارد حاکی از آن است که در سال‌های اخیر قالی‌بافی روند نزولی را طی کرده است و پیش‌بینی می‌شود که با تداوم این رویه، در آینده وضعیت نامناسب‌تری شکل خواهد گرفت. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است «سهم نواحی روستایی و عشایری در تولید فرش خیلی کمتر شده است و در حال حاضر سهم مناطق روستایی و عشایری حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد است». علاوه بر این، میزان تولید فرش دست‌باف در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون متر مربع است در حالی که در ۱۰ سال قبل این رقم ۵ میلیون متر مربع بوده است. این شواهد حکایت از افول قالی‌بافی در سال‌های اخیر دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص دوران افول و رونق فرش دست‌باف روستایی به افول آن در سال‌های اخیر اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد «دوره رونق نسبی فرش دست‌باف روستایی در طی سال‌های ١٣٦٦ تا سال ١٣٧٤ بود که اولاً عمده دلیل این رونق نیاز بازار به ارز جهت واردات اقلام مختلف از جمله قطعات یدکی خودرو و سایر اقلام دیگر بود. ثانیاً پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه با نرخ ٤ درصد و همچنین تسهیلات با نرخ ١٤ درصد از طریق بانک کشاورزی و همچنین وجود برخی از نیروهای مخلص جهاد بود که هدفشان ایجاد رونق در روستا و کمک به بافندگان روستایی و همچنین مطالعه بازار و تولید براساس سلایق و نیاز بازار بود. ولی تقریباً از

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

سال ۱۳۸۰ با ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشـــاورزی و انتقال وظایف آن به وزارت بازرگانی سابق تحت عنوان «ساماندهی ساختار مدیریتی هنر- صنعت فرش دست‌باف»، دوره افول فرش دست‌باف شروع شد».

٤. ۲. ۲. ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری

٤. ۲. ۲. ۱. جایـــگاه غیرشـــفاف هنر- صنعت فرش دست‌بافت روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آن اســت که اغلب اعتبارات هنر- صنعت فرش دســت‌باف روســتایی کشــور، به صــورت پراکنده و غیرقابــل تفکیک در قالب فصل صنایع، بازرگانی و تعاون و فصل توسعه علــوم و فناوری پیش‌بینی شــده‌اند و برنامه و طرح مســتقلی در قوانین بودجه کشور برای هنر- صنعت فرش دســت‌باف روســتایی، به صورت هدفمند و نظارت‌پذیر تدوین نشــده اســت. در این زمینه یکی از کارشناســان تصریح می‌کند: «طی سال‌های ۱۳۸٤ تــا ۱۳۹٤ در فصل بازرگانی و تعاون در برنامه تنظیم بــازار داخلی، طرحی بــا عنوان کمک‌هــای فنی و اعتباری برای تولید مواد اولیه فرش دست‌باف و ایجاد مجتمع‌های قالی‌بافی اجرا گردید. ولی مشخص نبود ســهم هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی چقدر اســت. برنامه و طرح مستقلی در بودجه کشور، برای فرش دست‌باف روستایی نداشته‌ایم و مشخص نبوده چه میــزان اعتبارات هنر- صنعت فرش دســت‌باف روســتایی برای چه اهداف کمّی در نظر گرفته شده است». در همین راســتا بررسی قوانین بودجه کشور در سال‌های ۱۳۹٤-۱۳۵۰ نشان داده است که «اغلب اعتبارات هنر- صنعت فرش دســت‌باف روستایی به صورت پراکنــده و غیرقابل تفکیک در فصل صنایع، بازرگانــی و تعاون و فصل توســعه علوم و فناوری تحت عناوینی مانند: الف) برنامه ایجاد و توسعه صنایع نساجی، دستی و روستایی و چرم، ب) برنامه بهبود و توسعه صادرات، ج) برنامه کمک‌های فنی و اعتباری صنایع کوچک کشاورزی و صنایع کوچک غیردولتی، د) برنامه ارتقای تولیدات صنعتی، هـ) کمک‌های فنی و اعتباری به صنایع کوچک و متوسط، و) کمک‌های فنــی و اعتباری برای تولید مــواد اولیه هنر- صنعت فرش دســت‌باف، ز) ایجاد مجتمع‌هــای قالی‌بافی، ح) برنامه توســعه فضاهای علمی فناوری احداث و تجهیز پژوهشــکده فرش و ط) برنامه توســعه هنر- صنعت فرش دســت‌باف آمده است». از سوی دیگر کارشناسان معتقدند میزان تحقق تکلیف برنامه پنجم توســعه در خصوص هنر- صنعت فرش دست‌باف روســتایی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد: «بر اساس بند «ن» ماده (۱۹٤) قانون برنامه پنجم توسعه، دولت را به حمایت از ایجاد و توسعه و تجهیز کارگاه‌های متمرکز و غیرمتمرکز و اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دست‌باف روســتایی و شهری سراســر کشور و نیز صنایع و خدمات جانبی هنر- صنعت فرش دست‌باف به‌منظــور ارتقاء و بهبود بهــره‌وری، تثبیت و افزایش ســهم صادراتی و بازاریابی‌هــای داخلی و خارجی موظف کردیــم. جالب این‌که بررســی گزارش‌های نظارت بر عملکرد برنامه نشــان می‌دهد که هیچ‌گونه شاخصی در خصوص عملکرد این حکم و اثربخشی آن ارائه نشده است».

٤. ۲. ۲. ۲. عــدم ثبات مدیریتــی و جایگاه ضعیف سازمانی

یکــی از مهم‌ترین مشــکلات هنــر- صنعت فرش دســت‌باف روســتایی عدم ثبات مدیریتــی و فقدان تشــکیلات سازمانی مســتقل و کارآمد در این حوزه

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

است. از مواردی که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان روی آن تأکید داشتند، ضعف جایگاه نهادی هنر- صنعت فرش دست‌باف و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود نهادهای موازی متولی فرش است. در مصاحبه‌هایی که با متخصصان این حوزه صورت گرفت مشخص شد، این صنعت با وجود تغییر در نهادهای متولی فرش در سال‌های گذشته و قرار گرفتن این نهاد زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت در سال‌های اخیر، هنوز هم فاقد جایگاه نهادی مناسب به‌منظور ایفای نقش حمایتی است. یکی از کارشناسان اظهار می‌دارد «در حال حاضر به نظر می‌رسد که وزارت صنعت و تجارت، با توجه به دغدغه‌های زیادی که دارد (ایران خودرو و فولاد)، فرصت توجه به هنر- صنعت فرش دست‌باف را ندارند و به آن به‌عنوان صنایع کوچک توجه می‌کنند». یکی دیگر از کارشناسان اضافه می‌کند «سالیان سال وجود لزوم یک متولی مقتدر برای فرش احساس می‌شد که گام اول ایجاد مرکز ملی فرش بود. این مرکز در این سال‌ها (۱۰سال) یک سری زیرساخت‌های اطلاعاتی و مدیریتی را فراهم کرده است، ولی الان احتیاج به اقتدار و استقلال مالی و تشکیلات متناسب دارد» و در ادامه به تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود نهادهای موازی متولی هنر- صنعت فرش اشاره می‌کند. علاوه براین، یکی از کارشناسان به تغییرات سریع مدیریتی در حوزه هنر- صنعت فرش اشاره و آن را به عنوان یکی از موانع توسعه فرش دست‌باف می داند و در انتقاد از آن می‌گوید «باید مدیریت‌ها اصلاح شود، میانگین طول عمر مدیران را در شهرستان وقتی بررسی می‌کنید هیچگاه به دوسال هم نرسیده، تغییرات مدیریت از کیفیت کار می‌کاهد». از طرفی کمبود نیروی انسانی در مراکز استان‌ها نیز از مواردی است که مانع پیشرفت کار است.

٤. ٢. ٢. ٣. عملکرد نامناسب سازمان‌های دولتی متولی فرش در اجرای وظایف و مسئولیت‌ها

یکی از مشکلات فراروی هنر- صنعت فرش دست‌باف عملکرد نامناسب سازمان‌های دولتی متولی فرش است. ضعف مدیریتی و ناکافی بودن توان کارشناسی، این مراکز و هنر- صنعت فرش را با چالش مواجه کرده است. یکی از کارشناسان در انتقاد از اوضاع مدیریتی هنر- صنعت فرش به سطح پایین توان کارشناسی نهادهای اجرایی اشاره و در ادامه اظهار می‌کند «کسانی که در مدیریت کلان فرش در نهادهای اجرایی قرار می‌گیرند باید با بازار فرش آشنا باشند و بازارهای جهانی را بشناسند». علاوه بر این، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان به اثربخشی پایین حمایت‌های دولت اشاره می‌کند و می‌گوید «در سفرهای اخیر به روستاهای ایلام و زابل حمایت دولتی از فرش‌بافان روستایی را مشاهده نکردم».

به طور کلی، طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، عدم انطباق امکانات و مسئولیت‌های مرکز مذکور، فقدان استقلال مالی و اداری لازم، تقلیل مرکز ملی فرش به سطح اداره کل در وزارت صنعت، معدن، تجارت، عدم تناسب مأموریت وزارت صنعت، معدن و تجارت با رسالت‌های فرش دست‌باف، فقدان تعریف سازوکار همکاری و هماهنگی الزام‌آور بین مرکز ملی فرش دست‌باف با سایر نهادها و دستگاه‌های مؤثر بر توسعه فرش دست‌باف، بی‌توجهی به ماهیت بین‌بخشی مدیریت فرش دست‌باف در طراحی ساختار تشکیلاتی مرکز، غفلت از ظرفیت‌های بخش غیردولتی به‌ویژه در نواحی روستایی برای توسعه فرش دست‌باف و فقدان ظرفیت اجرایی مناسب برای متشکل کردن بافندگان و سازماندهی و ارائه خدمات توسعه کسب‌وکار از چالش‌های ساختاری اساسی مرکز ملی فرش دست‌باف به شمار می‌روند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود: «مرکز ملی فرش

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

حتی قدرت برنامه‌ریزی و سازماندهی نمایشگاه‌های فرش دست‌باف را ندارد و بسیاری از این نمایشگاه‌ها با هماهنگی و اخذ مجوز از سازمان توسعه تجارت برگزار می‌شوند».

٤. ٢. ٢. ٤. اثربخشی پایین سازمان‌های غیردولتی

ناتوانی اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دست‌باف روستایی در ایفای نقش‌های حمایتی نیز از دیگر مشکلات پیش‌روی این صنعت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی نتوانسته‌اند وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند. در این خصوص یکی از کارشناسان می‌گوید «دفاتر تعاونی‌های روستایی در شهرها قرار دارد. ما اصلاً در روستاها دفتر نداریم. مجموعه‌ای از روستایی‌ها که قالی می‌بافند دفترشان در شهر است من این را الگوی ایده‌آل نمی‌دانم که تا بتواند منجر به اشتغال روستایی بشود». کارشناس دیگری می‌گوید «در اتحادیه اکثراً فقط خرید و فروش فرش انجام می‌شود».

٤. ٢. ٣. کارکرد نامناسب نظام ارائه خدمات بیمه و مالی

٤. ٢. ٣. ١. محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری مناسب و انحراف بخشی از تسهیلات

یکی دیگر از موانع توسعه فرش دست‌باف، محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری است. انحراف تسهیلات بانکی، سخت‌گیری بانک‌ها و ناکافی بودن حمایت‌های مالی دولت و کوتاه بودن دوره بازپرداخت وام مواردی هستند که دسترسی بافندگان به منابع مالی و اعتباری و اثربخشی این منابع را با محدودیت مواجه کرده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تسهیلات بانکی اعطا شده به بافندگان، بعضاً در جاهایی غیر از قالیبافی مورد استفاده قرار گرفته است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «تحقیق کنید که چند درصد از این کارگاه‌هایی که برای فرش‌بافی از بانک‌ها اعتبارات یارانه‌ای گرفتند، وجود خارجی دارند. حداقل مرکز ملی فرش یک گزارش بدهد. شما پول دادید برای کارگاه‌های متمرکز ولی رفتند در شغل‌های دیگر». افزون بر این استفاده نامناسب از بودجه و اعتبارات دولتی از دیگر مشکلات این حوزه است که از سوی کارشناسان به آن اشاره شده است. دراین‌خصوص یکی از کارشناسان می‌گوید «متأسفانه اعتبارات ما به سمتی هدایت می‌شود که واقعاً هدر می‌رود و صرف روستایی نمی‌شود. بودجه‌هایی که تحت عنوان شرکت‌های تعاونی فرش دست‌باف روستایی اختصاص می‌یابد اگر به واحدهای تولیدی فرش داده شود، می‌تواند اثرگذارتر باشد». همچنین سخت‌گیری بانک‌ها و ناکافی بودن منابع مالی را باید به این مقوله افزود. در این خصوص بانک‌ها برای گرفتن وام از بافندگان طرح توجیهی مطالبه می‌کنند. لذا با توجه به این‌که قشر بافنده از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند، در گرفتن وام با مشکل مواجه می‌شوند. یکی از بافندگان می‌گوید «بانک‌ها می‌گویند برنامه بنویسید تا وام بگیرید، من سواد ندارم که برنامه بنویسم» و در ادامه به مشکل ضمانت برای اخذ وام اشاره می‌کند که باعث شده است خیلی از بافندگان به دلیل نداشتن ضامن نتوانند از منابع بانکی استفاده کنند. همچنین منابع مالی که در اختیار بافندگان قرار می‌گیرد بسیار محدود است. کوتاه بودن دوره بازپرداخت وام نیز از دیگر مشکلات این بخش گزارش شده است.

٤. ٢. ٣. ٢. ضعف در سازماندهی بیمه اجتماعی قالی‌بافان

از مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد می‌توان به سوء استفاده از بیمه اجتماعی قالیبافی، نبود اطلاعات

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

دقیق و قابل اســـتناد در خصوص تعداد شـــاغلان در کارگاه‌های قالی‌بافی و قطع بیمه قالی‌بافان به دلیل عدم توانایی در پرداخت حق بیمه اشاره کرد. در خصوص سوء استفاده از بیمه قالی‌بافی بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل عدم وجود سازوکار مناسب برای شناسایی قالی‌بافـــان واقعی، افرادی خـــارج از حرفه قالی‌بافی توانسته‌اند با سوء اســـتفاده از موقعیت پیش‌آمده، از مزایای ایـــن بیمه بهره‌مند شـــوند. در تأیید این ادعا یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کند «خیلی راحت می‌رونـــد دار قالی می‌خرند و در خانـــه می‌گذارند. اتحادیه هم می‌آید در خانه نگاه می‌کند. اتحادیه برای این‌که بیاید عضویت بیشتری بگیرد و تعداد اعضایش بیشـــتر شـــود تأیید می‌کند و یک پول حق عضویتی از متقاضیان می‌گیرد. به اســـم قالی‌باف تسهیلاتی که برای قالی‌باف در نظر گرفته شـــده (بیمه) را به جیب می‌زنند». بسیاری از کارشناســـان دلیل انحراف بیمه قالی‌بافـــی را نبود اطلاعات دقیق و قابل اســـتناد در خصوص تعداد شاغلان در کارگاه‌های قالی‌بافی ذکر می‌کنند. در این خصوص یکی از آنها می‌گوید «یکی از مشکلات بیمه این است که تعداد بافندگان مشخص نیســـت، کارگاه‌های قالی‌بافی را سرشماری کرده‌اند. عمدتاً اطلاعات بیانی اســـت و مبانی مســـتند ندارد. بعضی اوقات بر اســـاس شـــرکت‌های تعاونی فرش دست‌باف روستایی که در آن‌جا فعالیت می‌کردند این اطلاعات داده می‌شد که این اطلاعات اکثراً اغراق‌آمیز بوده اســـت. به خاطر این‌که سهمی بگیرند، اعتبارات بیشتری بگیرند. ســـهام‌دار یک چیزی می‌داده است، ممکن است یک دوره قالی می‌بافته و کارگاه را ترک کرده و این‌ها هنوز جزو آمار خودشان اعلام می‌کنند». از طرفی قطـــع بیمه قالی‌بافان به دلیـــل عدم توانایی پرداخت حق بیمه یکی دیگر از مشـــکلات ایشـــان است. با توجه به پایین بودن سطح درآمد، بسیاری از قالی‌بافان روستایی توانایی پرداخت حق بیمه خود را ندارند و در بسیاری از موارد مشاهده شده است که به دلیل عدم توانایی در پرداخت حق بیمه، سازمان تأمین اجتماعی اقدام به قطع بیمه آنها نموده است.

٤. ٢. موانع و محدودیت‌های تولیدی

٤. ٢. ١. دسترسی نامناسب بافندگان به مواد اولیه

دسترسی نامناسب بافندگان به مواد اولیه یکی دیگر از مشـــکلات توسعه فرش دست‌باف روستایی است که شامل موارد عدم استفاده از ظرفیت‌های تولید پشم در داخل کشـــور، عدم وجود مراکز تأمین و توزیع مواد اولیه و استفاده از مواد اولیه با کیفیت پایین است. یکی از مصاحبه‌شـــوندگان به عدم استفاده از ظرفیت‌های تولید پشم در داخل کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات هنر- صنعت فرش دست‌باف اشاره می‌کند و آن را ناشی از عدم وجود مراکز تأمین و توزیع مواد اولیه در داخل کشـــور می‌داند. در تأیید این ادعا یکی از مصاحبه‌شـــوندگان می‌گوید: «در تأمین مواد خام و نهاده‌های تولید فرش مشکلاتی وجود دارد، کارخانه کم شده و ابزارآلات و مواد اولیه گران از خارج وارد می‌شود». افزون بر این، استفاده از مواد اولیه با کیفیت پایین در بافـــت فرش یکی دیگر از چالش‌های فرش دست‌باف روستایی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مواد اولیه‌ای که در بافت فرش از آن استفاده می‌شود فاقد کیفیت لازم اســـت و اســـتفاده از آن در نهایت منجر به کاهش کیفیت بافت و مشـــکلات بهداشـــتی برای بافندگان می‌شود.

٤. ٢. ٢. محـــدود بودن برنامه‌های آموزشـــی در جهت ارتقای کیفیت و هماهنگی تولید با نیاز بازار

آموزش قالی‌بافان یکی از عواملی اســـت که منجر به ارتقاء کیفیت بافت خواهد شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بافندگان فرش دست‌باف روستایی از سطح مهارت پایینی برخوردارند و توجـــه چندانی به کیفیت بافت

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

ندارند. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شـــوندگان اظهار می‌دارد «با توجه به ســـابقه ٤٧ سال فعالیت در بخش‌های مختلف به‌خصوص در فرایند تولید فرش دست‌باف به نظر می‌رسد در ارتباط با کیفیت تولید و هماهنگی آن با نیاز بازار ٧٥ درصد از قالی‌بافان کشور نیاز به آمـــوزش دارند؛ این‌که چه مواد اولیه خوبی را خریداری و مصرف نمایند و از چه نقشـــه باب بازار اســـتفاده کنند. بدیهی اســـت تداوم این آموزش‌ها در ارزش‌افزوده تولیدشـــان مؤثر خواهد بود». علاوه بر این، نسل جوان تمایل چندانی به ادامه فعالیت در این حرفه ندارد.

٤. ٢. ٤. ٣. ساماندهی نامناسب کارگاه‌های تولیدی

ساماندهی نامناسب کارگاه‌های تولیدی یکی دیگر از مشکلات فرش دســـت‌باف روستایی است. با وجود این‌که مجتمع‌های متمرکز قالی‌بافی با هدف تقویت و گسترش اشتغال در حوزه فرش دست‌باف راه‌اندازی شـــدند، ولی بررســـی‌ها حاکی از آن اســـت که این کارگاه‌ها عملاً نتوانستند اهداف تعیین شده را محقق کنند. یکی از مصاحبه‌شـــوندگان، کارگاه‌های خانگی را موفق‌تـــر از مجتمع‌های متمرکـــز می‌داند و اظهار می‌دارد «به نظر می‌رســـد تشـــکیل واحدهای صنعتی فرش دســـت‌باف، موفقیت چندانی در بهبود معشیت بافنـــدگان و کاهش مهاجرت‌های روســـتا- شـــهری نداشته است».

٤. ٢. ٤. ٤. شرایط نامناسب شغل بافندگی

بهداشت نامناسب محیط کار، منزلت اجتماعی پایین بافندگی و ســـطح پایین رضایت شـــغلی بافندگان از عواملی هســـتند که در طبقه شـــرایط نامناسب شغلی بافندگان جـــای می‌گیرند. مصاحبه‌شـــوندگان معتقد بودند که شرایط نامناسب بهداشت محیط کار موجب کاهش رغبت بافندگان به بافت شـــده است. در این راستا یکی از آن‌ها اظهار داشـــت: «بافندگان به دلیل بهداشـــت نامناســـب محیط دچار بیماری‌هایی مثل کمر درد، ضعـــف بینایی و همچنین به خاطر خریدن پشـــم‌های بی‌کیفیت دچار مشـــکلات تنفسی (آسم) دچار می‌شوند». علاوه بر این، منزلت اجتماعی پایین و ســـطح پایین رضایت شغلی بافندگان به‌عنوان یکی دیگر از چالش‌های این بخش مورد اشاره قرار گرفته است.

٤. ٢. ٤. ٥. فقدان صرفه اقتصادی بافت

یافته‌ها نشـــان می‌دهد تورم بالای داخلی و بالا بودن قیمت تمام‌شـــده فرش، کاهش تقاضا برای فرش در بازار داخلی، پایین بودن دست‌مزد، زمان‌بر بودن بافت فرش و هدفمندســـازی یارانه‌ها از مواردی هســـتند که منجر به فقدان صرفه اقتصادی بافت شـــده‌اند. در این راســـتا یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «یکی از معضلات تورم اســـت. دلار وقتی که شد سه هزار تومان، گفتیم فرش ارزان است و صادرات خوب انجام می‌شـــود. ولی آن‌قدر تورم سریع بالا رفت که قیمت تمام شده فرش با دلار سه هزار تومانی برابر شد و مثل قیمت قبلی‌اش شد». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در تأییـــد این ادعا به رقابتی بودن بازار فرش اشـــاره می‌کند و اظهـــار می‌دارد: «مـــن نمی‌توانم هر چقدر قیمت داخلی، تورم و هزینه ســـربار افزایش پیدا کرد، قیمت فروش را ببرم بالا و این جواب نمی‌دهد. چون بازار رقابتی است». علاوه بر این، کاهش تقاضا برای فـــرش در بازار داخلی به دلیـــل کاهش قدرت خرید مـــردم نیز از عواملی اســـت که باعـــث فقدان صرفه اقتصادی بافت شـــده است. از ســـوی دیگر، بسیاری از مصاحبه‌شـــوندگان اظهار داشته‌اند که زمان‌بر بودن بافـــت فرش و پایین بودن دســـت‌مزد بافنده منجر به کاهش رغبت و انگیزه بافنده به ادامه بافت شده است. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان به نقش منفی

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

واسطه‌ها در دست‌مزد پایین بافندگان اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید: «دســـت‌مزد بافنده شاید حدود ۳۵ درصد از قیمت فرشـــی که بـــه مصرف‌کننده فروخته می‌شود را شامل شـــود. ۱۵ درصد تقریباً صرف مواد اولیه می‌شود و ۵۰ درصد هم در سیستم توزیع پخش می‌شود». از طرفی بررســـی‌ها نشان می دهد یکی از مهم‌تریـــن عوامل کاهش تولید فرش که بســـیاری از کارشناسان بر روی آن اتفاق نظر دارند هدفمندسازی یارانه‌ها بوده است.

٤. ٢. ٤. ٦. عدم توجه مناسب به ارزش‌های کیفی و هویتی فرش دست‌باف

غفلت از اصالت فرش‌های بومی، عدم‌توجه مناســـب به کیفیت بافت و نقش فرهنگی فرش دســـت‌باف از جمله مفاهیمی هستند که این مورد را دربر می‌گیرند. در سال‌های اخیر مشاهده شده است که بافندگان در مناطـــق مختلف اقدام به بافت فرش‌های بومی مناطق دیگـــر می‌کنند که این امر منجـــر به کاهش کیفیت و افول اصالت فرش‌های بومی مناطق مختلف می‌شود. از طرفی بسیاری از مصاحبه‌شوندگان فرش دست‌باف را یـــک هویت ملی معرفی می‌کننـــد و بی‌توجهی به نقش فرهنگی آن را یکی از مشکلات آن می‌دانند.

٤. ٢. ٥. موانع و محدودیت‌های فروش

٤. ٢. ٥. ١. ساختار نامناسب بازار

یکی از مشـــکلات فرش دست‌باف روستایی ساختار نامناسب نظام بازار است که این امر شامل موارد زیر اســـت: حضور دلالان و واســـطه‌های فراوان در بازار فرش، عدم وجود ســـازوکار مناسب برای جلوگیری از حضور صادرکنندگان غیرواقعی در صادرات فرش و وجود فضای رقابتی ناســـالم بیـــن صادرکنندگان. بررسی‌ها نشـــان می‌دهد که ســـهم اعظم سود ناشی از بافت فرش نصیب واســـطه‌ها می‌شود و بافندگان در این بین ســـهم کمتری را دریافت می‌کنند. فرشی که توسط روســـتایی بافته می‌شود؛ یا مواد اولیه آن از طرف دلال تأمین می‌شود و در نهایت دست‌مزد کمی به بافنده تعلق می‌گیرد و یـــا این‌که خود بافنده مواد اولیـــه را تهیه می‌کند و پـــس از بافت، دلالان آن را با قیمت کمی می‌خرنـــد. در هر دو صورت در این بین واســـطه‌ها بیشترین سود را می‌برند. مصاحبه‌ها حاکی از آن اســـت که قیمت مصرف‌کننده در برخی مواقع تا سه برابر قیمتی اســـت که از بافنده خریداری شده است. افزون بر این، به دلیل نبود سازوکار مناسب به منظـــور جلوگیری از حضور صادرکنندگان غیرواقعی در بازارهـــای جهانی فرش، افرادی به این حیطه وارد می‌شوند که فاقد استانداردهای لازم برای انجام چنین کاری هستند و به بازار فرش ضربه می‌زنند. از موانع دیگری که مصاحبه‌شـــوندگان به آن اشـــاره کردند، وجود فضای رقابتی ناســـالم بین صادرکنندگان است که «به مشتری‌های رقیب گفته می‌شد فرش های فلان شخص خوب نیســـت و بیاید از من بخرید». این امر باعث کاهش اعتماد مصرف‌کننده در بازار می‌شود.

٤. ٢. ٥. ٢. فقدان نظام مناســـب بازاریابی در سطح ملی و بین‌المللی

یکی دیگر از مشکلات توسعه هنر- صنعت فرش دست‌باف، فقدان نظام مناسب بازاریابی در سطح ملی و بین‌المللی است. از جمله این موارد می‌توان به عدم شناســـایی ســـلایق و نیازهای بازار، اثربخشی پایین تبلیغات، عدم مشارکت بخش خصوصی در تبلیغات و بازاریابـــی، ناکافی بودن تبلیغات در ســـطح داخلی و بین‌المللـــی و کارایی نامناســـب بازاریابی اینترنتی در توســـعه صادرات فرش دســـت‌باف اشاره کرد. در خصوص عدم شناســـایی ســـلایق و نیازهـــای بازار، بررسی‌ها نشان می‌دهد، به علت عدم وجود سازوکاری برای شناخت سلیقه مصرف‌کننده، بیشتر تولیدات فرش دست‌باف روستایی بدون توجه به سلیقه مصرف‌کننده

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

بافته می‌شـــود. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید «از آن‌جایی که قالی‌بافان فاقد کارفرما هســـتند، تا حدود زیادی تولید آن‌ها بدون هدف و ناهماهنگ با نیاز بازار اســـت». علاوه براین، تبلیغات صورت گرفته در زمینه بازاریابی فرش دست‌باف در سطح ملی و بین‌المللی، ناکافی و فاقد اثربخشی لازم بوده است. از سوی دیگر یافته‌ها نشـــان می‌دهد، بخش خصوصی حاضر نیست در تبلیغات و بازاریابی عام‌المنفعه فرش دســـت‌باف هزینه کند. در تأیید این ادعا یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «نهادهای غیردولتی اکثراً چشم‌شـــان دنبال دولت اســـت و خودشـــان طبق اصل سواری مجانی، یک‌صدم تبلیغات نمی‌کننـــد. خیلی به‌ندرت تبلیغات می‌کنند. در خارج کشور هم همین طور در داخل هم همین طور». به علاوه، به اعتقاد کارشناسان، بازاریابی اینترنتـــی فاقد کارایی مناســـب در توســـعه صادرات فرش دســـت‌باف اســـت. در این خصـــوص یکی از مصاحبه‌شـــوندگان اظهار می‌دارد «فروش اینترنتی به این موضوع خیلی صدمه زده اســـت. فروش اینترنتی یک دریچه جدیدی اســـت بـــرای اقتصاد و بازرگانی امـــا نه در همه چیز. یکـــی از نگاه‌های که من با مرکز ملی فرش در چالـــش بودم این بود که اتکا به فروش اینترنتی فرش، یک عمل غلطی اســـت». شـــایان ذکر اســـت که اغلب مصاحبه‌شوندگان بر این قضیه اتفاق نظر دارند.

٤. ٢. ٥. ٣. کاهش تقاضا در بازارهای جهانی

کاهش تقاضا در بازارهای جهانی یکی دیگر از موانع پیش‌روی توسعه صادرات فرش دست‌باف روستایی اســـت که ایـــن امر ناشـــی از کاهش قـــدرت خرید مصرف‌کننـــده در بازارهای جهانی، از دســـت رفتن بخشـــی از بازار به دلیل تحریم‌های ظالمانه، صادرات فرش‌های با کیفیت پایین و ظهور کالاهای جانشـــین مانند فرش ماشـــینی، موکت، پارکت، سرامیک، سنگ و غیره می‌باشد.

٤. ٢. ٥. ٤. افزایش رقابت در سطح بین‌المللی

یکی دیگر از مشکلات هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی کشـــور، افزایش رقابت در سطح بین‌المللی است. این مقوله شـــامل مواردی مثل سوءاستفاده از طرح‌ها و نقش‌های فرش ایرانی توســـط کشورهای دیگر و ورود رقبای جدید به بازار فرش (چین، هند، پاکســـتان و غیره) است. بررســـی‌ها نشان می‌هد در سال‌های اخیر کشورهایی مانند چین، هند و پاکستان توانسته‌اند بخشی از بازارهای فرش را از دست ایران خارج کرده و با کپی‌بـــرداری از طرح‌ها و نقش‌های فرش ایرانی، فرش‌های خود را روانه بازارهای جهانی کنند. در ایـــن خصوص یکی از مصاحبه‌شـــوندگان می‌گویـــد «الان در نمایشـــگاه‌ها، اغلـــب طرح‌های کشـــورهای رقیب مثـــل هند و پاکســـتان، طرح‌های خودمان است و آنها طرح‌های ایرانی را کپی کردند». از سوی دیگر در بسیاری از موارد مشاهده شده است که این کشـــورها فرش‌های کم کیفیت خود را با برند ایران در بازارهـــای جهانی عرضه می‌کنند که این امر سبب از دســـت رفتن بازارهای فرش کشور خواهد شد. این کشورها به دلیل برخورداری از نیروی کار و مواد اولیه ارزان، فرش خود را با قیمت بســـیار پایین به بـــازار عرضه می‌کنند که این امـــر منجر به کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی می‌شود.

٤. ٢. ٥. ٥. حمایت ناکافی دولت از صادرکنندگان

حمایـــت ناکافی دولت از صادرکننـــدگان یکی دیگر از مشـــکلات هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی اســـت. عدم پرداخت سیاست‌های تشـــویقی دولت برای صـــادرات فـــرش مانند جوایـــز صادراتی، بالا بـــودن تعرفه‌های گمرکی صـــادرات و عدم حمایت مالی دولت از صادرکنندگان واقعی در نمایشگاه‌های

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

بین‌المللی، مواردی هستند که این مقوله را دربر می‌گیرند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به عدم اعمال سیاست‌های تشویقی توسط دولت می‌گوید: «دولت تصمیم گرفت جوایز صادراتی را قطع کند. حالا این بین چه اتفاقی می‌افتد؟ بخش خصوصی با اتکاء به این جوایز توانسته در بازارهای جهانی، با ارائه قیمت مناسب، سهم بازار خوبی را ایجاد و حفظ کند. حالا شما پولش را بهش ندادید، در نتیجه این ضرر کرده و عدم اعتماد بوجود آمده و این امر، توسعه صادرات را با مشکل روبرو کرده است». افزون بر این، بالا بودن تعرفه‌های گمرکی یکی از موانع موجود بر راه صادرات فرش دست‌باف روستایی است. از سوی دیگر، یکی از مصاحبه‌شوندگان به عدم حمایت دولت از صادرکنندگان واقعی در نمایشگاه‌های خارجی به‌عنوان یکی دیگر از موانع این بخش اشاره کرده است.

با توجه به چالش‌هایی که صاحب‌نظران و مطلعان کلیدی اظهار داشته‌اند، به نظر می‌رسد بافندگان فرش روستایی به نوعی به دست فراموشی سپرده شده‌اند و نوعی خلأ نهادی وجود دارد. این خلأ، حتی بودجه‌های سنواتی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده است. لذا ضعف در مدیریت و سیاست‌گذاری هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی را می‌توان به‌عنوان طبقه محوری در نظر گرفت.

٤. ٣. کدگذاری انتخابی

در مرحله پایانی یعنی کدگذاری انتخابی، طبقات استخراج شده حول طبقه محوری (ضعف در مدیریت و سیاست‌گذاری) قرار گرفتند. آن‌چه که در این مرحله اتفاق می‌افتد، تحلیل کل‌نگرانه بر فرآیندهایی است که در طول تحقیق رخ داده است و پژوهشگر بر اساس تمامی داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که در مسیر پر پیچ و خم پژوهش کسب کرده است، خط سیر داستانی را دنبال می‌کند تا در نهایت به مدل اقتضایی پژوهش منتهی شود (ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی، و صلصالی، ۱۳۸۹: ۲۰). بنابراین پس از تبیین روابط سایر مقوله‌ها با طبقه محوری مذکور، مدل مفهومی تحقیق استخراج گردید. براین اساس چنین برداشت می‌شود که ضعف در سیاست‌گذاری و مدیریت فرش دست‌باف روستایی منجر به کارایی نامناسب نظام ارائه خدمات مالی و بیمه‌ای شده و همچنین موانع و محدودیت‌هایی را در بخش تولید و فروش فرش دست‌باف روستایی ایجاد نموده است که این عوامل در نهایت زمینه افول بافندگی را در روستاها فراهم کرده‌اند. چالش‌هایی مانند محدودیت دسترسی بافندگان به منابع مالی، انحراف بخشی از تسهیلات از مسیر بافندگی، ضعف در سازماندهی بیمه اجتماعی، دسترسی نامناسب بافندگان به مواد اولیه، عدم توسعه توانمندی‌های قالی‌بافان، ساماندهی نامناسب کارگاه‌های تولیدی، شرایط نامناسب شغل بافندگی، فقدان صرفه اقتصادی بافت و ساختار نامناسب بازار همگی به‌نوعی ناشی از فقدان فضای نهادی- سیاست‌گذاری مناسب و قدرتمند در حوزه هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی است، به‌نحوی که به این هنر- صنعت به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه روستایی نگاه کند و از بافندگان حمایت‌های متمرکزتر و مؤثرتری را به عمل آورد.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد، بافندگان روستایی با محدودیت دسترسی به منابع مالی و اعتباری مواجه هستند و اعتبارات مناسب در اختیار بافندگان واقعی قرار نگرفته و در بسیاری از موارد دچار انحراف شده است. این رویه موجب می‌شود که روستائیان بافنده در تهیه مواد اولیه دچار مشکل شده و برای تأمین مواد اولیه به دلالان وابسته شوند. این امر، زمینه‌ای را فراهم می‌کند

گلجام
دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۳
بهار و تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

که واسطه‌ها بتوانند با در اختیار قراردادن مواد اولیه، بافندگان را مورد استثمار قرار داده و فرش را به بهای اندک از آنان خریداری نمایند. در خصوص بحث بیمه نیز مشکلات بسیاری وجود دارد. بافنده‌ای که اصلاً پوشش بیمه‌ای ندارد و آینده کاری تضمین‌شده برای او وجود ندارد، چگونه می‌تواند سال‌ها پشت‌دار قالی بنشیند و به فعالیت و امر تولید بپردازد. با توجه به این‌که بافندگان پس از چند سال فعالیت قالی‌بافی دچار انواع بیماری‌ها خواهند شد و قادر به تأمین هزینه‌های زندگی نخواهند بود، بیمه یک ضرورت مهم در تأمین آسایش آنان به‌ویژه در دوران سال‌خوردگی است. از این‌رو، بی‌توجهی به این امر از انگیزه آنان برای ادامه فعالیت کاسته و زمینه افول بیشتر قالی‌بافی را فراهم خواهد کرد. هرچند در این میان، برخی افراد به اسم قالی‌بافی، از پوشش بیمه‌ای برخوردار شده‌اند و درصد قابل‌توجهی از کسانی که بیمه شده‌اند، اصلاً فرش‌باف نبوده‌اند. در این راستا چنین برداشت می‌شود که اتحادیه صنف قالی‌بافان در این زمینه دچار تخلف شده و حتی برای افزایش تعداد اعضاء تحت پوشش، تنها به عضوگیری و اخذ حق عضویت اهمیت داده است؛ بدون این‌که احراز بافنده بودن آن افراد را ملاک قرار دهد.

همچنین به دلیل عدم وجود سازوکاری برای شناسایی سلیقه مصرف‌کننده، اغلب بافندگان توجه چندانی به کیفیت بافت و سلیقه مصرف‌کننده ندارند و از همان طرح‌ها و نقشه‌های قدیمی استفاده می‌کنند. با توجه به این‌که سلیقه نسل حاضر نسبت به گذشته دچار تغییر شده است، با ادامه این روند برای فرش‌های بافته شده تقاضایی وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر به دلیل عدم وجود ساختار مناسب در زمینه بازاریابی فرش دست‌باف روستایی، شرایط مناسبی برای فعالیت واسطه‌ها فراهم شده است. وجود این واسطه‌ها موجب طولانی‌تر شدن طول کانال بازاریابی و افزایش قیمت فرش دست‌باف روستایی می‌شود و علاوه بر این، بالاترین پرداخت را برای مصرف‌کننده و پایین‌ترین دریافت را برای تولیدکننده به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر بسیاری از بافندگان روستایی به دلیل عدم توانایی بازاریابی به اجبار فرش را با قیمت پایین به واسطه‌ها می‌فروشند. بالا بودن قیمت تمام شده فرش ایرانی و ورود فرش‌هایی با قیمت پایین در بازارهای جهانی توسط کشورهای رقیب یکی دیگر از مشکلات فرش است.

در بررسی فرآیند تولید در بسیاری از روستاها از دیدگاه کارشناسان، چنین برداشت شد که کارگاه‌ها غالباً در شرایط غیراستاندارد قرار دارند. دسترسی نامناسب بافندگان به مواد اولیه یکی دیگر از چالش‌های پیش روی هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی است. عدم وجود مراکز تهیه و توزیع مواد اولیه در داخل کشور باعث شده است که از ظرفیت‌های موجود مواد اولیه در داخل کشور (مانند پشم) استفاده مناسبی نشود و ابزارآلات و مواد اولیه مورد نیاز بافندگان با قیمت بالا و کیفیت نامناسب از خارج از کشور تأمین شود.

به طور کلی تأملی بر نتایج فوق نشان می‌دهد که عمده چالش‌های مذکور ناشی از ضعف در مدیریت و سیاست‌گذاری هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی در کشور است. این مشکل ریشه‌ای، بر اساس مفاهیمی شامل عدم ثبات مدیریتی و جایگاه ضعیف سازمانی، جایگاه غیرشفاف فرش دست‌باف روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور و عدم تحقق مناسب اهداف برنامه پنجم، عملکرد نامناسب سازمان‌های دولتی متولی فرش در اجرای وظایف و مسئولیت‌ها و اثربخشی پایین سازمان‌های غیردولتی برساخته شد. در حال حاضر، هنر صنعت فرش دست‌باف روستایی کشور دچار فقدان مراکز و تشکل‌های کارآمدی است که حمایت‌های لازم را در زمینه ساماندهی تولید و فروش انجام دهند، به‌نحوی که بافندگان روستایی به

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

سهم عادلانه خود از قیمت مصرف‌کننده دست یابند. با وجود این‌که اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی فرش دست‌باف روستایی به همین منظور تشکیل شده‌اند، اما این نهادها عملاً در دست‌یابی به اهداف خود موفقیت چندانی به دست نیاورده‌اند.

همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، از سال ۱۳۸۰ به بعد دوران افول هنر- صنعت فرش دست‌باف شروع شده است. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که به‌خصوص بعد از ادغام وزارت جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی سابق در حوزه فرش دست‌باف اتفاق افتاد، انتقال کلیه وظایف مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آن به وزارت بازرگانی سابق بر اساس مصوبه شورای عالی اداری تحت عنوان «ساماندهی ساختار مدیریتی فرش دست‌باف» است. این ادغام با توجه به این‌که وزارت بازرگانی سابق و وزرات صنعت، معدن و تجارت کنونی فاقد بدنه مناسب در نواحی روستایی و عشایری است، سبب شد عملاً اعتبارات و سیاست‌های دولت از حمایت از قالی‌بافان و بهبود معیشت ایشان از محل فرش‌بافی، به سمت حمایت ناکارآمد از تاجران و صادرکنندگان گذار نماید. نتیجه این‌که جایگاه فرش دست‌باف به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه روستایی با این انتقال تضعیف گردید. هم‌اکنون وزارت صنعت، معدن و تجارت به‌عنوان متولی هنر- صنعت فرش دست‌باف، با توجه به وجود صنایع عمده و بزرگ مانند خودرو، سیمان، مس، آلومنیوم و فولاد، توجه جدی به فرش دست‌باف ندارد و جایگاه مناسبی در ساختار خود برای آن در نظر نگرفته است.

علاوه بر این، همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، عناوین برنامه‌های بودجه‌ای عمدتاً به‌صورت کلی بوده و سهم فرش دست‌باف روستایی از آن‌ها مشخص نبوده است. ثانیاً در طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با فرش دست‌باف روستایی در قوانین بودجه سنواتی کشور، شاخص‌های قابل اندازه‌گیری اعتبارات مربوطه، مانند میزان فرش دست‌باف روستایی بافته شده در سال و ارزش صادرات فرش دست‌باف روستایی تعیین نشده است تا بتوان بر اساس آنها به نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها پرداخت. مهم‌تر از همه این‌که مشخص نبوده است که این میزان اعتبارات دولتی در حوزه فرش دست‌باف روستایی نهایتاً تا چه حدی باید منجر به بهبود معیشت قالی‌بافان روستایی و عشایر و حضور آن‌ها در بازارهای صادراتی شود.

بنابراین شواهد وضعیت موجود، دلالت بر عدم کارایی سیاست‌گذاری و مدیریت کلان هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی کشور دارد و صاحب‌نظران معتقدند تغییر نهادی اساسی در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری این صنعت مهم اتفاق بیفتد و نهادی متولی این امر شود که بتواند بر اساس هویت روستاها و ترکیب فعالیت‌های اقتصادی این مناطق، صنعت فرش دست‌باف را به نحوی سازماندهی و مدیریت نماید که در فقرزدایی و بهبود معیشت پایدار روستائیان و عشایر نقش اساسی‌تری داشته باشد. در حقیقت از آن‌جایی که وزارت صنعت، معدن و تجارت فاقد بدنه و مأموریت مشخص در حوزه توسعه روستایی است، باید جایگاه نهادی فرش دست‌باف روستایی به نحوی تغییر یابد که پیوندهای پسین و پیشین فرش دست‌باف به‌ویژه با بخش کشاورزی و تولید مواد خام اعم از پشم، ابریشم، رنگ‌های گیاهی در روستاها به شکل بهتری ایجاد شود.

کارشناسان به منظور بهبود نقش‌آفرینی هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی در اشتغال‌زایی بهره‌ور در نواحی روستایی راه‌کارهایی را ارائه کردند که به شرح زیر ارائه شده‌اند.

پیشنهادها

• با توجه به اینکه بسیاری از مشکلات فرش دست‌باف کشور، ناشی از نقصان جدی در مرکز سیاست‌گذاری و مدیریت آن است، لذا ایجاد تحول نهادی اساسی در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

فرش دست‌باف روستایی کشور، بسیار ضروری است. تعدادی اصل بنیادین، به‌شـــرح زیر در اصلاح ساختار مدیریت فرش دست‌باف باید مد نظر قرار بگیرد:

۱. ساختار متولی باید ارتباط تنگاتنگی با بافندگان، تأمین‌کنندگان مواد خام و بازاریابان داشـــته باشـــد و رویکرد زنجیـــره ارزش و بهره‌مندی عادلانه بازیگران زنجیـــره از ارزش‌افزوده مربوطه را مدیریت و اجرایی کند.

۲. فرش دست‌باف با مأموریت‌های اصلی دستگاه اجرایی بالادســـتی ســـنخیت داشته باشـــد و در زمره اولویت‌های اساسی آن قرار گیرد.

۳. نهادی تحت عنوان کمیته یا کمیســـیون فرش، به‌عنـــوان عالی‌تریـــن رکن در رأس ســـاختار مذکور وجود داشته باشـــد تا بتواند رویکرد بین‌بخشی فرش دســـت‌باف و هماهنگی‌های الزام‌آور بین دستگاه‌های اجرایی مرتبط را عملیاتـــی کند. اعضای این کمیته یا کمیسیون باید شـــامل نمایندگان وزارتخانه‌های جهاد کشـــاورزی، صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصاد و دارایی، بهداشـــت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت کار، تعـــاون و رفاه اجتماعی، نماینده ســـازمان امور مالیاتـــی، اتاق بازرگانی، گمرک، بافنـــدگان و دو نفر عضو هیئـــت علمی خبره در زمینه فرش دســـت‌باف باشد. وظیفه این کمیته، رصد و پیگیری مستمر مسائل فرش دست‌باف، سیاستگذاری و تدوین خط‌مشی‌ها و نظارت بر عملکـــرد بخش‌های دولتی و غیردولتی در تحقق اهداف تعیین شده خواهد بود.

٤. مجلس بتواند بر متولی فرش دست‌باف نظارت مستمر و مؤثری داشته باشد.

• با توجه با این‌که در بســـیاری از ســـال‌ها برنامه مستقلی برای فرش دست‌باف روستایی وجود نداشته و اعتبارات مربوطه، به‌عنوان بخشی از برنامه‌های دیگر از جمله توســـعه صنایع نساجی، دستی و روستایی و چرم و یا برنامه بهبود و توسعه صادرات، بدون اهداف کمّی و سهم روشن آورده شده است، پیشنهاد می‌شود برای رشـــد، توســـعه و ارتقاء کیفیـــت هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی و بهبود نقش آن در توسعه روســـتایی، منابع و اعتبارات بودجـــه‌ای مجزا (تحت عنوان برنامه توســـعه فرش دســـت‌باف روستایی) با اهداف روشن و قابل نظارت در قوانین بودجه سنواتی در نظر گرفته شود. اهداف این برنامه باید بر اساس اثر آن بر بهبود معیشت روستائیان و عشایر و حضور آنها در بازارهای صادراتی تعیین شود.

• بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات مربوطه به‌خصوص بودجه‌های مربوط به کارگاه‌های قالی‌بافی روســـتایی نظارت مؤثرتری اعمال شود. وجود نهادهای دولتی و غیردولتی مختلف در سطح روستاها، زمینه مناسبی را برای اخذ اطلاعات میدانی صحیح و به‌روز با استفاده از اصـــل تضاد منافع (اخذ اطلاعات یکســـان از منابع اطلاعاتی مختلف) فراهم می‌کند.

• به منظور برنامه‌ریزی مناســـب بـــرای بافندگان، شرایطی فراهم شود که با همکاری مرکز آمار اطلاعات مربوط به آمار بافندگان روستایی به دست آید.

• برای جلوگیری از انحراف بیمه قالی‌بافان، دولت از طریق شرکت‌های معتبر قالی‌بافی اقدام به شناسایی بافندگان واقعی کند و از طریق این شرکت‌ها بافندگان را تحت پوشش بیمه قرار دهد.

• با توجـــه اقلیم کشـــور و هم‌چنین ظرفیت‌های فراوانی که در زمینه تولید پشم در داخل کشور وجود دارد، از این ظرفیت‌ها در تولید نخ قالی‌بافی اســـتفاده شـــود که در این صـــورت علاوه بـــر افزایش کیفیت فرش‌های تولیدی، ظرفیت‌های اشتغال جدیدی برای کســـانی که در بخش تولید نـــخ کار می‌کنند، فراهم می‌شود.

• از ورود مـــواد اولیه بـــی کیفیت مثل رنگ های بی‌کیفیت که به شـــدت بر روی کیفیت بافت تأثیر می گذارد، به داخل کشور جلوگیری شود.

• با هدف ســـازماندهی صادرات فرش دست‌باف روســـتایی و جلوگیـــری از فعالیـــت صادرکنندگان

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

غیرحرفه‌ای، استانداردهای مناسب برای صادرکنندگان تعریف شود و بر اساس این استانداردها به آنها مجوز داده شود.

• بازاریابی و تبلیغات بین‌المللی هنر- صنعت فرش دست‌باف روستایی به صورت مشارکتی توسط دولت و بخش خصوصی انجام شود و با بهبود تدریجی جایگاه هنر- صنعت فرش دست‌باف، سهم دولت کاهش یابد. در این راستا، شکل‌گیری نظام پویای بازاریابی فرش دست‌باف روستایی می‌تواند بر اساس آینده‌نگاری، به‌ویژه در شرایط تحریم، بازارهای صادراتی جدیدی را شناسایی کرده و با انتقال سلایق و ترجیحات آنها به بافندگان روستایی، قدرت رقابتی کشور را حفظ کند.

• به منظور حفظ هویت و اعتبار فرش دست‌باف روستایی کشور و جلوگیری از جعل آن توسط کشورهای رقیب، شناسنامه فرش‌های صادراتی روستایی تهیه شود و با ایجاد یک پایگاه اطلاع‌رسانی شرایطی فراهم شود که خریدار با مراجعه به این پایگاه از صحت هویت فرش خریداری شده اطمینان حاصل کند.

• به منظور کاهش قیمت تمام شده فرش دست‌باف روستایی و افزایش رقابت‌پذیری آن در سطح جهانی، دولت به صادرکنندگان مشوق‌های صادراتی پرداخت کند و تعرفه‌های گمرکی از صادرکنندگان دریافت نکند، در صورت تحقق این امر حجم صادرات افزایش یافته و زمینه ایجاد اشتغال در جامعه فراهم خواهد شد.

• با ایجاد سیستم مجازی و پایگاه داده‌ای مرتبط با فرش دست‌باف روستایی و فعالان این بخش، زمینه تعامل و تبادل امور و بازرگانی تولیدات مربوطه را با رویکرد حذف واسطه‌گران توسعه یابد.

• در حوزه غیردولتی به دلیل عدم وجود الگوی مناسب برای ساماندهی زنجیره تولید و فروش فرش دست‌باف روستایی، پیشنهاد می‌شود ایجاد و توسعه «الگوی قراردادی» ملاک عمل قرار گیرد. در این الگو نهادهای غیردولتی تخصصی، طی قراردادی که با بافندگان روستایی منعقد می‌کنند، متعهد به آموزش بافندگان، تأمین نهاده‌های باکیفیت و نقشه‌های متناسب با سلایق بازار برای بافندگان و فراهم‌سازی بیمه برای بافندگان می‌شوند و ملزم هستند پس از اتمام بافت، فرش را با قیمت مناسب از روستائیان خریداری کنند. چنین الگویی در نهایت زمینه استفاده مناسب از تسهیلات و اعتبارات و نیز بیمه بافندگان واقعی را فراهم می‌کند. حالت بهینه در این الگو، توانمندسازی روستائیان و تشکیل این نهادها به صورت اجتماع‌محور و مردمی است تا روابط ناعادلانه کار بین کارفرما و پیمانکار شکل نگیرد. در این راستا، تعاونی‌های روستایی و تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی پس از توانمندسازی، می‌توانند نقش مذکور را در زمینه استقرار زنجیره تأمین فرشبافی روستایی به‌خصوص در ابعاد تولید مواد اولیه مرغوب، نقشه‌های به‌روز، تجهیزات استاندارد بافندگی، اعتبارات و بازاریابی ایفا نمایند. از سوی دیگر حاکم کردن ضوابط خودتنظیمی بر روابط بین کارفرما و بافندگان می‌تواند زمینه سوءاستفاده و تخلف را به حداقل برسد. برای نمونه در این خصوص می‌توان تصریح کرد که چنانچه کارفرما نهاده را با قیمت بالاتر از قیمت رایج بازار در اختیار بافنده روستایی قرار دهد، بافنده مجاز به تأمین نهاده مذکور از مجاری دیگر خواهد بود.

سپاسگزاری

محققان بر خود فرض می‌دانند، از مسئولان محترم معاونت پژوهش‌های زیربنایی و تولیدی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کمال سپاسگزاری را به آورند که زمینه برگزاری نشست‌های تخصصی و مصاحبه با بخشی از افراد مصاحبه‌شونده را فراهم

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]

آوردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه‌های بانک مرکزی، (سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۷) و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، (سالهای ۱۳۹۰ - ۱۳۵۷)

2. Diagnostic
3. In-depth understanding
4. Participant feedback
5.Constant comparison

فهرست منابع

– ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: انتشارات بشری.

– رستمی، مصطفی. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه ساری)، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی. سال چهارم، شمارهٔ ۳، ٦٦-۳۹.

– رضایی، محمد. (۱۳۸۵). رضایتمندی بافندگان فرش دست‌باف در استان‌های آذربایجان شرقی و اصفهان. گلجام، شمارهٔ ۳، ۱۰-۱.

– رضوانی، محمد رضا؛ بیات، ناصر؛ رستگار، ابراهیم و قنبری نسب، علی. (۱۳۹۲). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی (مطالعه موردی : شهرستان ملایر). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. سال سوم، شمارهٔ ۱۱، ٦۱-۳۵.

– شفیعیان، مرتضی. (۱۹۹٦). بررسی عوامل مؤثر در جابجایی نیروی انسانی در صنعت فرش کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

– صحت، سعید و فرجلو مطلق، مهسا. (۱۳۸۹). بررسی و آسیب‌شناسی صادرات فرش دستباف ایران، دانشگاه علامه طباطبایی. ۲۳-۱.

– علی‌اکبری بایگی، علی اکبر. (۱۳۸۱). اسنادی از صنعت فرش ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۲ ه ش). مرکز اسناد ریاست جمهوری. (۲،۱)، ۹۳۵-۱.

– لطیفی، سمیه؛ سعدی، حشمت الله؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ مشرف، سید محسن. (۱۳۹۲). تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی تعاونی‌های فرش دست بافت روستایی استان همدان. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال چهاردهم، شمارهٔ ۳۲، ۱۳۹-۱۱۷.

– مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). گزارشات سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۰.

– مهدوی حاجیلویی، مسعود. (۱۳۸۰). بررسی و شناخت صنایع دستی (قالیبافی): مطالعه موردی روستای ایوانکی در سمنان. پژوهش های جغرافیایی. دورهٔ ۳۳، شماره ٤۱، ۱۱-۱.

– میرالماسی، آیدا. (۱۳۸۵). مولفه‌های اصلی بهبود شرایط شغلی زنان قالیباف روستایی شهرستان اراک. مرکز ملی فرش. ۷۷۲-۷۵۹.

- Bo Hansen, R. (2006). Study on the perception of Voluntary Counseling and Testing among people living in Tumu Sub-district (Sissala East District, Upper West Region, Ghana), Basic Studies of Social Science, ROSKILDE University, Gruppe 32, hus 20. 2.

[Downloaded from icsa.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1397.14.33.2.1]